

امنيت اجتماعى و

خانوادگى

كودك بايد از مزايای امنيت اجتماعى برخوردار باشد و حق دارد در كمال سلامت و صحت پرورش ورشد يا بدو بدى منظور وي و مادرش بايد از توجه و حمايتهاى خاصى منجمله مراقبتهاى لازم قبل و بعد از تولد برخوردار گردند .

كودك ، حق برخوردارى از تغذيه كافى ، مسكن ، تفريح و خدمات بهداشتى را دارد .

(اصل چهارم اعلاميه جهانى كودك)

مى اندازد .

اگر به اوضاع جهان قبل از اسلام بنگريم ، يکى از مشكلات بزرگى که در آن روزگار ، توجه ما را بخود جلب مى کند ، مسأله امنيت جاني نداشتن اطفال منسوم است . خانوادهاى که در مضيقه اقتصادى بودند و بيم داشتند که

نخستين مسأله اى که در مورد كودكان ، جلب توجه مى کند ، عبارت از امنيت اجتماعى است . بديهى است كودكان بايد در جامعه كوچك خانواده و در جامعه بزرگ مملكت و جهان ، از امنيت كامل برخوردار باشند . زيرا نبودن امنيت ، بجان طفل صدمه مى زند و بلااقل سلامت و سعادت او را بخطر

از عهدۀ ادارهٔ زندگی فرزند خود بر-
نیایند ، طفل معصوم و مظلوم را طعمۀ
تیغ مرگ می گردند .

در این میان ، دختران در معرض خطر بیشتری
بودند . زیرا نمی توانستند مثل پسران نان آور
خود و خانواده باشند .

گذشته از آن پاره ای از اعمالی که بمنظور
تربیت اطفال صورت می گرفت ؛ چیزی جز یک
مشت شکنجه های وحشیانه و غیر انسانی نبود در
کتاب تاریخ فرهنگ ایران دربارهٔ برنامهٔ تربیتی
یکی از قبایل قدیم می نویسد : «چندتن از ریش-
سفیدان کودک را گرفته ، بر بدنش علامت و شمار
قبیله را نقش می کنند ، سپس او را پرتاب کرده ،
سخت می زنند » (۱) تازه این کار مربوط به مرحلهٔ
نخستین تربیت و نسبتاً ساده است .

«در مرحلهٔ دوم .. طفل را بسته : قسمتی
از بدنش را ناقص می کنند ، مثلاً سینه
یا پشتش را تیغ زده و یاد ندان پیشین را
می شکنند یا پردهٔ بینی و لبش را سوراخ
می کنند یا بوسیلهٔ سوزن گرفتن ؛ کاکل و
پوست سر او را می کنند» (۲)

آنچه یک کودک ، در خانواده و جامعه ، بطور کامل از
آن محروم بود ، امنیت بود . این امنیت ، نه در مورد حفظ
جان کودک وجود داشت ، و نه در مورد حفظ سلامت او .
امام صادق (ع) می فرماید : شخصی خدمت پیامبر

اسلام (ص) شرفیاب شد و گفت :

«دختری داشتم که چون به سن رشد و بلوغ رسید .
وی را همچون عروسی که به محله می برند ، بسا
زرو زیور آراستم ، سپس او را به کنار گودالی بردم
و در زیر انبوهی از خاک پنهان کردم ؛ آخرین
سخنی که کودک بر زبان آورد ، این بود که گفت :
«پدرای . اکنون این گناه بزرگ را چگونه جبران
کنم ؟

حضرت پیامبر (ص) از این ماجرای وحشتناک سخت
ناراحت شد و فرمود :

« اگر مادری داری بمادر خود نیکی کن .

و چون وی مادر نداشت ، فرمود :

« بخالات نیکی کن که اونیز بمنزلۀ مادر است
و باعث سبک شدن گناه تومی شود . (۳)

در آنروزگار از اینگونه صحنه های رقتبار ،
زیاد پیش می آمد . پدرانی که می باید پناهگاه
کودکان معصوم و بی نوا باشند ، جلادانه آنها را
بخاک هلاک می افکندند و از این کار خود بندرت ؛
احساس پشیمانی می کردند . گاه نیز اطفال را در
پیشگاه بنها قربانی می نمودند و از این کار ؛
انتظار تقرب به خدا و معبود داشتند . حتی بانشر
اعلامیه های جهانی حقوق کودک و حقوق بشر و همهٔ
اقداماتی که شده است ، هنوز در گوشه و کنار
جهان نمونهٔ اینگونه جنایتها اتفاق می افتد . هنوز
در شهر جیبورهندوستان ، افرادی پیدا می شوند

۱ و ۲ - تاریخ فرهنگ ایران صفحه ۱۱ و ۱۲

۳ - بحار الانوار ج ۱۵ ص ۱۷۲

می فروشد؟! گفتم: حیات او را میخرم!
 نه تن او را! گفت: به چند می خری؟!
 گفتم: هر چه تو بگویی. گفت: بهمان دوشتر
 آبتن و این شتر را! گفتم: به این شرط، که
 این شتر؛ من و دختر را بمقصد برساند. او قبول
 کرد. اکنون، یا رسول الله، به تو ایمان می آورم.
 این کار برای من سستی شد و از آن پس هر دختری که
 می خواست بدست پدر زنده بگورشود بدوشتر آبتن
 ده ماهه و یک شتر را می خریدم و اکنون ۲۸۰
 دختر نزد من است که آنها را خریداری
 کرده و تحت سرپرستی خود قرار داده ام. آیا
 اینکار برای من در پیشگاه خدا اجری داشته
 است؟ (۲) ...

علی (ع) درباره اوضاع زندگی قوم عرب، قبل
 از ظهور اسلام می فرماید: « درباره تفرقه و
 اختلاف آنها تأمل کنید. چه شبهای
 تیره ای بر آنها میگذشت! خسروان ایران
 و قیصران روم، ارباب ایشان بودند...
 احوالشان پریشان و دستهایشان مختلف و
 جمعیتشان متفرق بود و در زیر سایه شوم
 بدبختی و جهل؛ دختران را زنده بگور
 می کردند و بتها را می پرستیدند و قطع
 رحم می کردند و دست بغارت و چپاول
 می گشودند»

یکی از برنامه های مهم اسلام؛ مبارزه با
 این سنت زشت انسانی است. آنچنانکه جامعه-

که طبرغم همه مراقبتهای پلیسی، کودکان
 معصومی را در برابر بنها قربانی می کنند. تا آنجا
 که ما اطلاع داریم آخرین قربانی آنها کودک
 ۱۲ ساله ای بود که توسط دو کنتراتیچی سازنده
 تانک های آب، در پیشگاه الهه هندی بخون خود
 غوطه ور گردید. (۱)

مردی پس از بیعت رهبر عالیقدر اسلام به آئین
 حیاتبخش نویسن گمرایش پیدا نموده حضور
 پیامبر (ص) رسید؛ سرگذشت خود را اینطور
 شرح داد:

- دوشتر داشتم که در ماه دهم بارداری خود
 بودند و وضع حمل آنها نزدیک بود. اتفاقا این
 دوشتر گم شدند و من بر شتری نر سوار شدم و
 بجنسجو پرداختم. در بین راه؛ از دور کلبه ای
 بنظرم رسید که از راه دور افتاده؛ تک و تنها بنظر
 می رسید. بدانسو شتافتم. پیرمردی دیدم که
 بر آستانه کلبه نشسته است. از وی جویای شترانم
 شدم. پرسید: چه نشانی دارند؟ گفتم: نشان
 «بینی دارم» پاسخ داد: پیش من هستند. در
 کنارش نشستم تا شتران را تحویلم دهد. دیدم پیر-
 زنی از درون کلبه خارج شد، پیرمرد پرسید:
 چه بدنیا آورد؟ اگر پسر است؛ شریک
 اموال ماست و اگر دختر است...!
 پیرزن گفت: دختری بدنیا آورد! من برای حفظ
 جان کودک رو به پیر مرد نموده گفتم او را بمن
 بفروش. گفت: مگر عرب اولاد خود را

۱ - جرائد

۲ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۳ ص ۱۷۶ طبع بیروت.

می‌گویند: «قتل نفس، بمواردی اطلاق می‌شود که جاندار دارای فهم و احساس و شعور باشد؛ در حالی که جنین دارای چنین خصوصیتی نیست» (۳) گوینده این سخن مبتدل، خود را حقوق‌دان معرفی می‌کند. دیگری که خود را روانشناس معرفی می‌کند، نخست پاپ را که حکم بجزمت سقط جنین داده، مورد انتقاد قرار می‌دهد؛ سپس می‌گوید:

«اسلام می‌گوید مقررات معذب‌ساز را بگیرد و هر چه مطابق عقل سلیمان نیاید بزیندش بدیوار» و بر اساس همین صغری و کبری غلط و غیر عالمانه تجویز می‌کند که در مواردی که والدین ترس از فقر دارند یا اینکه نطفه نامشروعی منعقد ساخته‌اند، طی ضوابط و شرایط بهداشتی، اقدام بکورتاژ و سقط جنین کنند. (۴)

اینان و همه کسانی که برای ریختن خون کودکان، مجوز می‌تراشند و جواز صادر می‌کنند، باید بدانند که: قرآن مقدس، در موارد متعدد، بر این عمل ضد انسانی، خط ابطال و تحریم کشیده است. می‌فرماید: «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (۵) هنگامی که در باره دخترزنده بکورتاژ رفته، سؤال می‌شود که بچه

شناسان نظر می‌دهند، کشتن اولاد، نتیجه ترس از فقر و تهیدستی بوده است.

آری عامل اقتصاد، سبب می‌شد که پدران و مادران، بحیات جگر گوشه‌های خود خاتمه دهند و نابودشان کنند. حتی در آثار افلاطون مشاهده می‌شود که: اطفالی که از سلامت کامل برخوردار نیستند و در زندگی اشتراکی مدینه فاضله؛ از عهده کار و تأمین معاش بر نمی‌آیند باید از میان برده شوند (۱) جائی که یک فیلسوف متفکر تا این اندازه کار فرزندکشی را سهل و ساده، جلوه می‌دهد، از مردم بی‌فرهنگ و نادان، چه انتظاری می‌توان داشت؟!؟

قرآن کریم نیز منشأ فرزندکشی را همان ترس از فقر معرفی کرده، می‌فرماید:

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ أَمْوَالِكُمْ إِنَّكُمْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّزِقِّمُونَ

ایاکم، (۲)

فرزندانتان را از ترس فقر نکشید که ما ایشان و شما را روزی می‌دهیم.

با همه مبارزاتی که آئین مقدس اسلام و عموم ادیان آسمانی با این عمل شنيع کرده‌اند و از لحاظ زشتی و حرمت فرقی میان جنین و غیر جنین نگذاشته‌اند، هنوز هم کسانی پیدا می‌شوند که

۱ - تاریخ الفلسفة العربية الاسلاميه ص ۳۷

۲ - سوره اسراء آیه ۳۱

۳ - مکتب اسلام شماره ۳ سال ۱۳ بنقل از روزنامه اطلاعات

۴ - مکتب اسلام شماره ۲ سال ۱۴ بنقل از روزنامه‌ها.

۵ - سوره تکویر آیه ۸

گناهی کشته شده است ؟

شده است (۲) .

بدین ترتیب، آئین مقدس اسلام ، برای کودکان و نوزادان ، محیط کاملاً امنی ایجاد کرد . بطوری که هیچ عاملی نمیتواند موجب تعدی بجان آنها شود و حیات آنها را در خطر افکند .

اکنون باید دید برای اینکه طفل در کمال صحت و سلامت پرورش یابد اسلام برای او و مادرش چه برنامه‌ای طرح کرده است ؟ . . .

و هنگامی که در باره بیعت زنان تازه مسلمان دستور میدهد ؛ یکی از مواد بیعت را نکشتن فرزند ، ذکر می کند . (۱) همانطوری که کشتن و صدمه زدن به يك انسان صرف نظر از کیفیت جسمی ، نیازمند به پرداخت غرامتی بنام «دیه» می باشد ، کشتن و صدمه زدن به يك جنین ، نیز نیازمند پرداخت غرامت یا «دیه» است که در جای خود مبسوطاً بیان

قتل عام در جاده‌ها

با این سرعت جنون آمیز کجا می روید ؟ ! . . .

در چند ماه اخیر آنها که از جاده های مختلف می گذرند غالباً با صحنه های تکان دهنده ، رقت بار ، و دلخراش اتومبیل های درهم کوبیده شده ، بدنهای قطعه قطعه شده ، کودکان و جوانان و پیران مجروح ، و جاده هایی که از خون رنگین شده است ، روبرو می گردند ، تا آنجا که این فکر برای بعضی پیدا شده که اصولاً سوار شدن اینگونه اتومبیلها و حرکت در این جاده عملی غیر-عاقلانه و جنون آمیز است .

در این حوادث و حشمتناك كه آثار غم انگیز آن سالها در خانواده های وسیعی میماند عوامل غیر اختیاری بسیار کم دیده می شود . و اکثریت قریب با اتفاق آنها ناشی از غلط کاربهای خود مردم است و کاملاً قابل اجتناب می باشد . و باین ترتیب علاوه بر همه بدبختیها ، مسئولیت الهی بزرگی نیز متوجه کسانی است که با اعمال جنون آمیز خود این صحنه ها را بوجود می آورند . آنها شريك جرم یا مجرم اصلی هستند و بعنوان قاتل مردم ، یا قاتل خود و زن و فرزند خویش در دادگاه الهی محاکمه می شوند ! .

۱ - ولایزین و لایسرقن و لایمقلن اولادهن (سوره ممتحنه آیه ۱۲)

۲ - فروع کافی ج ۸ ص ۳۴۲ باب دیة الجنین